

فتوح حج



توضیحی به جای مقاله

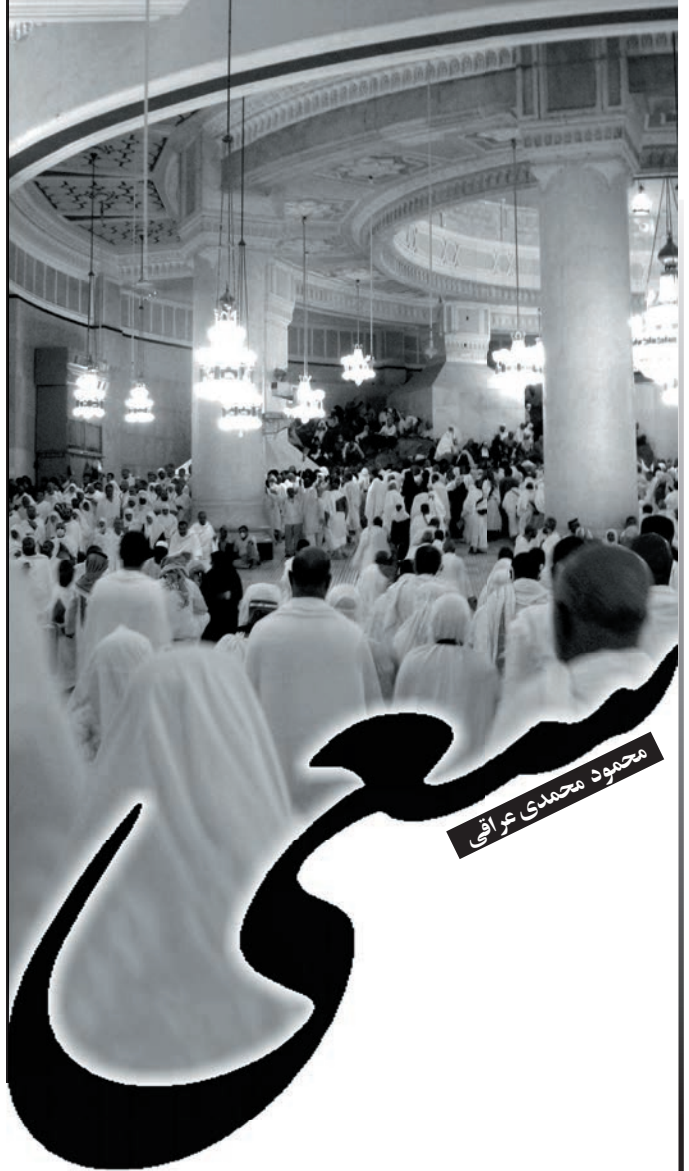
﴿وَ أَدِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَا تُوَكَّ
رَجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ
كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ﴾ (حج: ۲۷)

﴿لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ
اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ...﴾ (حج: ۲۸)

﴿إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ
فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ
عَلَيْهِ أَنْ يَطُوفَ بِهِمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ
خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ﴾ (بقره: ۱۵۸)

کسانی که در سال ۱۳۸۶ هـ. ش. (ذیحجه سال ۱۴۲۸ هـ. ق.) برای زیارت خانه خدا به مکه مکرمه مشرف شدند، ملاحظه کردند که عملیات ساختمانی بخشی از محل سعی (میان صفا و مروه) تقریباً به پایان رسیده و بخش جدیدی به محل میان صفا و مروه، در قسمت هم کف افزوده شده است. این قسمت که در حج سال جاری افتتاح شد و مورد بهره برداری قرار گرفت، در حقیقت افزوده‌های جدید است به عرض سعی.

شکی نیست که تغییر و تحولات جدید در مشاعر، به جهت کثرت



محمود محمدی عراقی

توسعه مسعی

(گسترش جدید در محل سعی میان صفا و مروه)

با حمد و ستایش خداوند و درود و سلام بر سرور کائنات، پیامبر رحمت، حضرت محمد مصطفی و آل و اصحابش.

در سال‌های اخیر، تعداد زائران و حجاج بیت الله الحرام از رقم دو میلیون گذشته و انتظار می‌رود در آینده این آمار به نزدیک ۱۰ میلیون هم برسد. علت این افزایش، از یکسو رشد جمعیت مسلمان در تمام کشورهای اسلامی و اشتیاق بسیاری از آنان به انجام مناسک حج، به عنوان رکن پنجم از ارکان اسلام می‌باشد.

چه بسا نعمت امنیت و آرامش، افزایش خدمات رفاهی در عربستان، نسبت به حجاج - که در گذشته وجود نداشته - و توجه خاص در سطح حکومت و مردم به این امر، در این رویکرد و ایجاد رغبت بیشتر مؤثر بوده است. افزون بر آن که امروزه هزینه‌های سفر حج با کمترین نرخ، در دسترس بسیاری قرار گرفته است.^۱

این وضعیت ایجاب می‌کند مسؤولان عربستان در پی ایجاد راه حل‌های شرعی برای توسعه مشاعر و محل‌های انجام مناسک حج، که محرومیت مکانی و زمانی دارند، بر آیند تا گنجایش این تعداد عظیم از حجاج و زائران را داشته باشد و بتواند پاسخ نیازها و مشکلات آن‌ها را بدهد. از جمله این مشاعر، که سخت دچار تنگنا و ضیق مکان گردیده، مشعر مسعی با دورهای متعدد آن است. به خصوص با توجه به این که اجرای طرح توسعه و تحول در محل رمی جمرات، بعد از حج سال ۱۴۲۶ هـ. ق. آغاز گردید و روشن است که (با تسهیل رمی جمرات) انبوه حجاج با تعداد کثیر، پس از انجام رمی، یکباره همگی

روز افزون حاجیان انجام می‌شود. از جمله افزوده‌ها، طبقات مسجدالحرام در محل طواف و نیز تغییرات اخیر در چند طبقه کردن محل رمی جمرات است که از جهت بحث‌های فقهی، گفتگوها و مباحثات فراوانی را برانگیخته و فتاوی گوناگونی در جواز و عدم جواز از سوی فقهای مذاهب اسلامی صادر گردیده است.

طبیعی است که توسعه مسعی نیز از جهت انطباق با موازین شرعی بحث‌ها و پرسش‌های جدیدی در محافل و مدارس فقه اسلامی برانگخته و پژوهش‌هایی را سبب گردیده است.

با توجه به اهمیت موضوع از نظر مبانی فقهی و احکام شرعی، لازم است صاحب‌نظران در همه کشورهای اسلامی، در این باب بررسی‌های کارشناسی لازم را انجام دهند تا فقها و مجتهدان و صاحبان فتوی رأی نهایی را صادر کنند.

در ایران، تا آنجا که نگارنده آگاهی دارم تاکنون پژوهشی علمی در خصوص این موضوع صورت نگرفته است، لذا تقاضا می‌شود پژوهشگران فقه، به خصوص در حوزه علمیه، با دقت نظر و ارسال نظریات، انتقادات و پیشنهادهای خود، بر ما منت گذارند.

راهی مسجدالحرام می شوند تا اعمال طواف و سعی خود را به جا آورند و از احرام خارج شوند. از این رو مطالعه و نگاه علمی منطبق بر دیدگاه شرعی و مبتنی بر قواعد عرفی و براساس رعایت مصالح و دفع مفاسد، این موضوع بسیار اهمیت یافته است.

نظریه فقهی و دینی، براساس شریعت اسلامی در موضوع توسعه مشعر مسعی و حکم به جواز یا عدم جواز آن، متوقف بر شناخت عناصر زیر است:

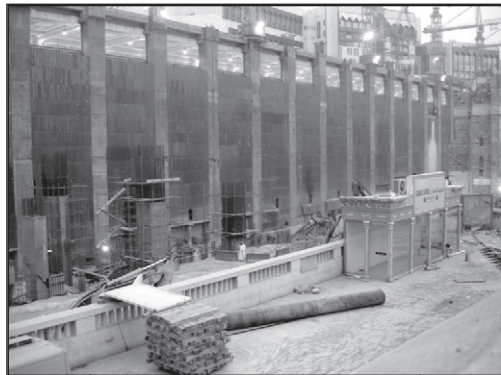
۱. تعریف دقیق مفهوم صفا و مروه و مراد از آن دو.
۲. بررسی محیط طبیعی و جغرافیایی منطقه صفا و مروه و تغییراتی که در گذشته در آن‌ها به وجود آمده است.
۳. شناخت تحولات تاریخی که مشعر در طول تاریخ با آن روبه رو بوده است.
۴. بررسی مستندات و متون فقهی در خصوص حدود مسعی و آنچه باید در ادای عمل واجب سعی انجام گیرد.

در پرتو شناخت این عناصر، می‌توان به حکم شرعی درست در مورد جواز توسعه مسعی از جهت عرضی یا عدم جواز آن، بر حسب نتایج بحث استدلالی دست یافت.

عنصر اول: تعریف و تبیین معنای صفا و مروه

ابتدا ببینیم مراد از دو واژه «صفا» و «مروه» در سیاق آیه شریفه و احادیث نبوی در مورد شعیره سعی در حج و عمره چیست؟ (شعیر مفرد شعائر، به معنای علامت و نشانه است). اما در قرآن کریم، در سوره بقره، آیه ۱۵۸ می‌خوانیم:

﴿إِنَّ الصَّفَاَ وَالْمَرْوَةَ مِنَ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ﴾



توسعه مسعی

«صفا»؛ یکی از مشاعر مکه (شرفهاالله تعالی) است. کوهی کوچک به صورت دماغه‌ای از کوه ابوقبیس. آیه شریفه ﴿إِنَّ الصَّفاَ وَ الْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ...﴾ درباره همین کوه است.

«براستی که صفا و مروه از شعائر و نشانه‌های خداوند است. پس هر کس برای حج یا عمره به زیارت خانه خدا رود، می‌تواند (بر او روا باشد) که بر آن دو بگردد، (یا میان صفا و مروه سعی کند) زیرا خداوند نسبت به هر آن کس که...»

قرطبی در تفسیر خود، در خصوص صفا و مروه می‌گوید: واژه «صفا» در لغت عرب به معنای سنگ صاف است و در این آیه منظور کوه صفا در مکه است که معروف و شناخته شده می‌باشد؛ مانند «مروه» که آن هم نام کوهی معروف است.^۲

در کتب و منابع لغت نیز، چنانکه علامه مرتضی زبیدی گفته، در شرح واژه «صفا» اینگونه آمده است: «صفا»؛ یکی از مشاعر مکه (شرفهاالله تعالی) است. کوهی کوچک به صورت دماغه‌ای از کوه ابوقبیس. آیه شریفه ﴿إِنَّ الصَّفاَ وَ الْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ...﴾ درباره همین کوه است. بر فراز این کوه، خانه‌ای وسیع بنا شده است. مؤلف با همین کلمه کتابش را به پایان برده است.^۳

«مروه» (= بهاء، درخشندگی)؛ کوهی است در مکه که نام آن همراه با کوه صفا برده می‌شود. خداوند در کتاب عزیز، از آن دو، نام برده است: ﴿إِنَّ الصَّفاَ وَ الْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ...﴾ اصمعی، لغوی معروف می‌گوید: علت نامگذاری مروه به این نام، برآق و درخشان بودن سنگ آن است.^۴

فقیه و مورخ، قاضی تقی الدین فاسی می‌نویسد: صفا همان نقطه آغاز سعی است و آن در اصل، از کوه ابوقبیس است بنابر آنچه بسیاری از علما نوشته‌اند؛ از جمله ابو عبید بکری و همچنین نووی همان را گفته‌اند.

«صفا» موضع مرتفعی است از کوه که دارای پله‌های متعدد است و در آن، سه بند وجود دارد که پله‌ها در بالای بندها و پایین بندها قرار دارد؛ پله‌هایی که از بند اول به سوی بند دوم بالا می‌رود، سه پله است که در وسط آن بندها قرار می‌گیرد و زیر بندها نیز یک پله است و زیر آن سنگ فرش بزرگی است که در پی آن سه پله قرار دارد و سپس سنگ فرشی مانند سنگ فرش قبلی است که به زمین متصل است، چه بسا که خاک بر روی آن ریخته و زیر خاک پنهان شده است...^۵

در گذشته جایگاه سعی (مسعی) در محل مسجدالحرام کنونی قرار داشت و در خانه «محمد بن عباد بن جعفر» که امروز در محل حد رکن مسجدالحرام قرار دارد، در کنار محل مناره بنا شده در گلوگاه وادی (درّه) قرار داشت که نشانه مسعی در آن است و در آن روزگار وادی (درّه) از پایین مناره می گذشت

همچنین علامه فقیه، شیخ عبدالفتاح بن حسین مکی که از علمای مکه مکرمه بوده و شناخت کاملی نسبت به محلات و کوه‌های مکه دارد، در تعریف این دو کوه (صفا و مروه) می گوید:

«صفا»؛ کوهی است که در دامنه شیب دار کوه ابوقییس قرار دارد ...

لعل کوهی است که مروه در دامنه آن قرار دارد و محله قراره و خیابان فلق و آغاز محله نقاء بر بالای آن قرار گرفته است.

... و کوه لعل، قسمتی از دامنه کوه قعیقان است که در کنف و ظل آن قرار گرفته، همانطور که کوه صفا نسبت به ابوقییس همین حالت را دارد ...^۶

عنصر دوم: جغرافیای طبیعی صفا و مروه و تغییراتی که در طول تاریخ در آنها رخ داده است:

در طول تاریخ، تغییرات فراوانی مانند شکستگی و بریدگی و زایل گردیدن، در تمام جوانب این دو کوه رخ داده است و در گذشته و اکنون نیز خانه‌ها و حتی کاخ‌های بلند فراز بر آنها ساخته شده است که این اقدامات باعث کاهش مساحت فضایی آنها از تمام جهات، به خصوص از دو سوی شرقی و غربی گردیده است؛ به طوری که صفا و مروه در میان بناهای بزرگی که از سه جهت آنها را احاطه کرده، محدود و کوچک و خلاصه شده است. چنانکه در تصویرهای قدیمی دیده می شود.

بر فراز کوه صفا سه قوس مانند تاج علامتگذاری شده و کوه مروه با یک قوس بزرگ و ممتد از طرف شرق تا منتهی الیه غربی، نشانه گذاری گردیده است. در طول تاریخ اسلام، خلفا همواره تأکید داشته‌اند که این علایم و حدود محفوظ بمانند و آنها را با ساختن بناهایی احاطه می کردند که نسبت به آنچه از فضای آنها باقی مانده تعدی صورت نگیرد ... تاریخ نگاران به تفصیل از این اقدامات و بناها نوشته‌اند.^۷

اقدامات عمرانی در دوران سعودی، در خصوص کوه صفا، با جدا کردن و بریدن آن از اصل خود؛ یعنی کوه ابوقییس مشخص گردید و تنها برخی از صخره‌های آن در منتهی الیه کوه باقی مانده که به عنوان علامتی از مشعر صفا نگه‌داشته شده است (زیرا صفا یکی از مشاعر الهی است). همچنین

نسبت به کوه مروه از اصل خود همین جدایی انجام شده، جز آن که وجود و سطح مختلف (یا دو راه غیر همسطح) به سوی حرم شریف در طرف مروه سبب احداث دو مدخل شده است: مدخلی در بالا، برای عبور از فوق، که آن مدخل مساوی با ارتفاع کوه مروه است در طرف بالا که سوی محله قراره می رود و مدخل دیگر در پایین برای اتصال مروه به اصل خود که کوه قعیقان است، بطور روشن باقی مانده که به محله «مُدعی» منتهی می شود. بدین ترتیب کوه مروه نیز از قطع و شکستگی سنگ‌ها و خلاصه و کوچک شدن از سه جانب فوقانی، شرقی و غربی بی نصیب نمانده است.

عنصر سوم: تحولات تاریخی در مشعر مسعی

در تاریخ «ابی ولید محمد بن عبدالله ازرقی»، در مورد تحولات تاریخی مشعر مسعی، فصلی آمده است با عنوان: «ذکر زیاده المهدی الآخرة فی شق الوادی من المسجد الحرام»: آخرین افزایش مهدی (عباسی).

«... در گذشته جایگاه سعی (مسعی) در محل مسجدالحرام کنونی قرار داشت و در خانه «محمد ابن عباد بن جعفر» که امروز در محل حدّ رکن مسجدالحرام قرار دارد، در کنار محل مناره بنا شده در گلوگاه وادی (دره) قرار داشت که نشانه مسعی در آن است و در آن روزگار وادی (دره) از پایین مناره می گذشت که محل فعلی مسجدالحرام را تشکیل می دهد...»^۸

همچنین ابو ولید ازرقی تحت عنوان: «بحث اندازه گیری فاصله رکن اسود تا صفا و اندازه گیری فاصله مابین صفا و مروه» می گوید:

«فاصله میان علامتی که بر باب مسجد است تا علامتی که محاذی آن بر باب خانه عباس بن عبدالمطلب قرار دارد و بین آن دو علامت عرض مسعی قرار گرفته، ۲۵/۵ ذراع (سی و پنج و نیم ذراع) است و فاصله نشانه‌ای که بر باب خانه عباس است تا نشانه‌ای که در کنار خانه ابن عباد قرار دارد، و آن محاذی نشانه‌ای است که در حدّ مناره مسجد است و بین آن دو وادی (مسجدالحرام)



واقع شده، ۱۲۱ ذراع است.»^۹

فقیه مورخ، قطب الدین محمد بن احمد حنفی مکی (متوفای سال ۹۸۸ ه.ق.) بر آنچه فقهای تاریخدان پیش از او؛ یعنی ازرقی و فاکهی و فاسی (ت سال ۸۳۳ ه.ق.) و دیگران ذکر کرده‌اند صحه می‌گذارد و آنچه قبل از او (در این مشعر) ایجاد گردیده و در زمان او به صورت واقعیتهای ثابت و پابرجا در آمده، تأیید می‌کند و می‌گوید:

«در گذشته محل سعی (مسعی) در محل فعلی مسجدالحرام بوده است و در خانه محمد بن عباس بن جعفر عبادی در کنار رکن فعلی مسجدالحرام، در کنار موضع مناره ساخته شده در گلوگاه وادی واقع در مسجدالحرام کنونی است؛ سپس قسمت عمده خانه محمد بن عباد بن جعفر عبادی را تخریب و مسعی و وادی (قدیم) را در آن قرار دادند. عرض آن وادی (در آن زمان) از میله سبز چسبیده به مؤذنه‌ای که در رکن شرقی قرار داشت، آغاز می‌شد و شکل وادی به صورت مستطیلی تا پایین مسجدالحرام ادامه داشت، که اکنون محل جریان سیل است و کاملاً متصل به دیوارهای مسجد بوده است و در حال حاضر در دل مسجدالحرام از جانب رکن یمانی قرار گرفته است.»^{۱۰}

نیازی نیست بیش از این در زمینه مسائل تاریخی صحبت و اطاله کلام شود؛ زیرا جناب دکتر عبدالعزیز بن محمد بن عبدالمنعم، در بحث ارزشمند خود که به شورای هیئت کبار العلماء، تحت عنوان «مسعی و تحقیقات تاریخی» تقدیم نموده، حق مطلب را ادا کرده و ما را از بحث بیشتری نیاز نموده است. اما قسمت چهارم بحث که مربوط به متون فقهی در خصوص حدود مسعی و تجدید و تعیین دقیق مسافتی است که برای انجام مناسک و ادای وظیفه سعی باید طی شود، در دنباله مقاله در شماره آینده خواهد آمد، ان شاء الله.

پی‌نوشت‌ها

۱. البته هنوز میلیونها مسلمان مشتاق به دلایل مختلف؛ از جمله فقر و نداری، از سفر به خانه خدا محروم‌اند و به نظر ما رقم ۲ یا ۳ میلیون نسبت به جمعیت ۱/۵ میلیاردی مسلمانان، بسیار اندک است.
۲. «الجامع الاحکام القرآن، ج ۱، ص ۱۷۹».
۳. تاج العروس، ماده «صفو».
۴. تاج العروس، ماده «مرو».
۵. (شفاء الغرام باخبار البلد الحرام، ج ۱، ص ۲۷۹).
۶. الافصاح علی مسائل الايضاح علی مذاهب الاربعه، (صص ۱۹۱، ۲۵۲).
۷. ر.ک. به: فاسی، شفاء الغرام، ج ۱، ص ۲۹۹
۸. اخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار (اخبار مکه و آثار آن) ج ۲، ص ۷۹، و همچنین نگاه کنید به: فاکهی، اخبار مکه فی قدیم الدهر و حدیثه، ج ۲، ص ۱۷۰
۹. ازرقی، اخبار مکه، ج ۲، ص ۱۱۹
۱۰. تاریخ قطبی، که به نام کتاب «الاعلام بأعلام بیت الله الحرام در تاریخ مکه مشرفه» نامگذاری شده است. ص ۹۸